

چاپ شده بود، در پاییز ۱۳۵۷ موج اعتراض کارگران به این روزنامه رسیده و به مدت ۲ ماه این روزنامه تعطیل می‌شود تا اینکه باز هم انتشار خود را از سر می‌گیرد و ۲۶ دی‌ماه، یکی از تاریخی‌ترین صفحه‌یک‌های خود را با تیتر یک «شاه‌فت» منتشر می‌کند.

▼مصادره اطلاعات

با پیروزی انقلاب تا شهریور ۱۳۵۸ مدیریت روزنامه در اختیار بهرام مسعودی (پسر دیگر عباس مسعودی)، قرار می‌گیرد و سرانجام در این ماه، با حکمی از سوی احمد آذری قمی، دادستان وقت انقلاب، این موسسه مصادره شده و به بنیاد مستضعفان واگذار می‌شود. در بخشی از حکمی که توسط آذری قمی صادر شد، آمده است: «چون عباس مسعودی متوفی، صاحب موسسه اطلاعات از پایه‌گذاران رژیم طاغوت بوده و موسسه‌اش کاملاً در اختیار رژیم قرار داشته و بر سیاست‌های استعماری آنان صحنه‌گذارده است وآنچه به‌دست آورده و از خود بجای گذاشته غیر مشروع است و متعلق به مستضعفین است، لازم است بنیاد محترم تمام اموال منقول و غیرمنقول او و فرزندان‌ش و اقارب نزدیک وابسته به او را، از جمله موسسه اطلاعات و شرکت ایران چاپ را تحویل گرفته و در اداره و رسیدگی به آنها و خصوصاً توجه به وضع کارمندان و کارگران شریف آن، مساعی لازم را به عمل آورند و کوشش نمایند.»

▼دوران دعایی

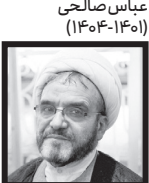
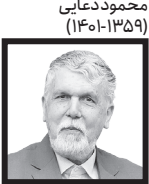
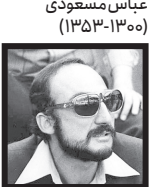
پس از اینکه، مالکیت روزنامه به بنیاد مستضعفان واگذار می‌شود، در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹، سید محمود دعایی، یکی از نزدیکان امام در دوره تبعید که به نمایندگی مجلس اول هم رسیده بود، با دریافت حکمی از سوی امام خمینی به عنوان مدیر جدید این موسسه معرفی می‌شود تا چهارمین مدیر تاریخ موسسه و اولین مدیر این موسسه در دوره جمهوری اسلامی باشد. درباره آنچه در دوران مدیریت دعایی بر موسسه اطلاعات گذشت، می‌توان به نکته‌های زیادی اشاره کرد که نوشتن درباره آنها نیاز به گزارش جداگانه دارد اما در این بخش تنها به سه موضوع مهم اشاره می‌کنیم:

اولین موضوع پیرامون موسسه اطلاعات، در دوره نخست‌وزیری میرحسین موسوی رخ می‌دهد که منجر به خروج اطلاعات از زیرمجموعه‌های بنیاد می‌شود. دعایی درباره این موضوع گفته است: «در مقطعی که آقای مهندس موسوی، سرپرستی بنیاد مستضعفان را برعهده داشتند، آقای دکتر خاتمی که وزیر ارشاد و در عین حال سرپرست کیهان بودند، پیشنهادی دادند که آقای مهندس موسوی آن پیشنهاد را به محضر حضرت امام برد و امام هم پذیرفتند که دو مؤسسه کیهان و اطلاعات به دلیل ماهیت فرهنگی‌شان از بنیاد جدا شوند و تابع رهبری باشند، به عبارتی زیرنظر مستقیم رهبری اداره شوند. امام پذیرفتند و از آن تاریخ اطلاعات و کیهان از بنیاد مستضعفان جدا شدند.»

موضوع قابل اشاره دیگر هم به همان مقطع دهه شصت برمی‌گردد که این روزنامه با دستور امام خمینی توقیف می‌شود. دعایی در بخشی از خاطرات خود شرح مفصلی از ماجرای منجر به صدور دستور امام برای توقیف اطلاعات داده است که از لحاظ اینکه این ماجرا جالب است، به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود:

«یک روز صبح در سال ۶۲ من در دفتر کارم نشسته بودم و مشغول تنظیم تیتروهای روزنامه اطلاعات بودم و آن را آماده می‌کردم که آقای انصاری از جماران رنگ زد و گفت که امام فرمودند تا اطلاع ثانوی اطلاعات چاپ نشود... آزدگی و ناراحتی ایشان در حدی بود که مجال نمی‌دادند برای توضیح خدمت ایشان برسم. نزد آقای خامنه‌ای که آن موقع رئیس‌جمهور و سپس نزد آقای هاشمی که رئیس مجلس بودند رسیدم و ماجرا را تعریف کردم. آنها هم از اتفاقی که افتاده بود ابراز تأسف کردند... افسردگی و آزدگی امام در حدی بود که برای تنبیه کردن من و نشان دادن قاطعیت جدی حتی به آنها هم اجازه ندادند که با من تماس بگیرند... صبح آن روز وقتی ما آمدم دیدیم در صفحات لایه که روز قبل چاپ شده است عبارت چاپ شده که غلط چاپی زشتی در آن وجود دارد. طبیعتاً انتشار آن به مصلحت نبود... دوستان همت کرده بودند و لایه‌ها را از روزنامه‌فروشی‌ها پس گرفته بودند تا اصلاح‌شده‌های آن توزیع شود، اما با وجود اینکه لایه‌های اصلاح شده حاضر بود، به دلیل حساسیت منطقه تجریش و جماران شاید اصلاح‌شده‌ها را به آن‌جا نفرستاده بودند تا نکند یک وقت در لایه اصلاح شده هم نسخه‌ای از همان قبلی‌ها باشد... امام توصیه کردند که کسی برود روزنامه را بگیرد و بیاورد. وقتی از بیرون روزنامه را آوردند دیدند که روزنامه فروش فقط صفحه‌های رویی روزنامه را داده است... اما وقتی به پایین‌های شهر رسیده بود متوجه شد که روزنامه‌های اطلاعات با لایه توزیع شده است. امام ناراحت شدند و گفتند: چرا این روزنامه با این شکل به دست من می‌رسد و با روزنامه‌هایی که در سطح شهر پخش می‌شود فرق دارد... تصادفاً همان روز در قسمت لایه روزنامه، مطلبی از کتاب مباحث اقتصادی استاد مطهری نقل شده بود و امام قبلاً دستور داده بودند که در این کتاب تجدیدنظر شود. چون گفته شده بود که همه مطالب‌ش از خود استاد نیست. این مطلب، توسط همکاران روزنامه در سرویس اقتصادی به مناسبت سالگرد شهادت مرحوم مطهری چاپ شده بود. تلقی امام این بود که ما کتابی را که به منظور بررسی تا اطلاع ثانوی ممنوع شده‌و نمی‌بایست چاپ شود چاپ کرده‌ایم و تازه برای اینکه امام خمینی از این امر مطلع نشود لایه روزنامه را هم به‌دست ایشان نرسانده‌ایم... امام تعبیر زیبایی کرد و گفت: من همین‌نیستم که استالین یک روزنامه مخصوص او چاپ می‌کرد و می‌گذاشت جلوش و در سراسر شوروی روزنامه دیگری را منتشر می‌ساخت. یک جایی من می‌بایست بایستم تا بدانند من بازی نمی‌خورم. البته امام باسعه صبری که داشتند وقتی بالاخره ما موفق شدیم نزد ایشان توضیح بدهیم، اجازه دادند که روزنامه از توقیف دربیاید... این حادثه که در آخر هفته و متصل به جمعه صورت گرفت حدود سسی و چند ساعت طول کشید و مدت توقیف

مدیران روزنامه اطلاعات در ادوار تاریخ



روزنامه طولانی نشد اما عملکرد امام نشان داد که با کسی شوخی و رودربایستی ندارد...»

سومین مقطع دیگر که درباره دوره مدیریت محموددعایی مهم‌به شمار می‌رود، مربوط به وقایع پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ و محدودیت‌هایی است که برای سیدمحمد خاتمی ایجاد شده بود، روندی که منجر به این شد که بهمن ۱۳۹۳، سخنگوی وقت قوه قضائیه رسماً اعلام کند که استفاده از تصویر و مطالب خاتمی در رسانه‌ها ممنوع است اما دعایی پس از این دستور، باز هم تصویر و نام خاتمی را در روزنامه اطلاعات آورد؛ روندی که در آن مقطع فضایی دوگانه را برای روزنامه اطلاعات و مدیر آن ایجاد کرد، از یکسو بر خی خواهان نزد خود با روزنامه بودند و از سوی دیگر، محبوبیت اطلاعات و دعایی نزد طیفی از مردم بالا رفت و حتی در مقطعی، کمپین‌هایی در فضای مجازی برای خرید روزنامه اطلاعات در راستای کمک به اقدام این روزنامه شکل بگیرد. محموددعایی، در سال ۹۴ یادداشتی را درباره آن روزها و فشارهایی که به او وارد می‌شد، نوشت که در بخشی از آن درباره خاتمی نوشته بود: «او پاک‌دست، پاک‌چشم، پاک‌اندیش، منبع الطبع و شریف هست. چون اجدادش شرف خود را به بیگانه نمی‌فروشد و در جامعه‌ای که انواع پلشتی‌ها و بدعملی‌ها مردم را از انقلاب و آیین دلسرد و دور کرده به دلیل اعتقاد یاران و دوستانش به آرمان‌های پاک و مذهبی او را تجسم اسلام رحمانی می‌دانند و چون او معتقد به آرمانی است به آن آرمان پایبندند.»

روندی که دعایی در نیمه دوم دهه هشتاد به کار گرفت، توانست او و مجموعه روزنامه اطلاعات را در ضلعی مقابل روزنامه کیهان قرار دهد. به عبارتی در حالی که کیهان با سیاست‌های مدیرش تمام تلاش خود را انجام می‌داد تا صدای تندروهای اصول گرا باشد، اطلاعات با مدیریت دعایی تلاش می‌کرد تا سمت مقابل ماجرا را گرفته و نوعی اعتدال در سیاست را در پیش گیرد- روندی که تا درگذشت سیدمحموددعایی در خرداد ۱۴۰۱ ادامه داشت.

▼صالحی واعتراضات ۱۴۰۱

درگذشت سیدمحمود دعایی و پایان دوره ۴۲ ساله مدیریت او در این موسسه، این سؤال را به وجود آورده بود که آیا مسیری که توسط دعایی در پیش گرفته‌شده بود، ادامه پیدا خواهد کرد و روزنامه اطلاعات همچنان بر مدار میانه‌روی پیش می‌رود یا اینکه این روزنامه و موسسه هم به روزگاری دچار می‌شود که کیهان در آن قرار گرفته است؟ برای اینکه به پاسخ این سؤال برسیم، به تنها چند ماه زمان نیاز بود. درحالی‌که صندلی مدیریت روزنامه اطلاعات از هجدهم خرداد ۱۴۰۱ به سیدعباس صالحی، وزیر سابق ارشاد واگذار شده بود،

یکشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۸۰۴
www.hammihanonline.ir

شهریورماه همان سال به‌دنبال درگذشت مهسا امینی، خیابان‌های کشور، شاهد درگیری‌های فراوانی بود؛ درگیری‌هایی که به مراتب گسترده‌تر از وقایع ۸۸ و ۹۸ بود و در این میان، مطبوعات باید تکلیف خود را معلوم می‌کردند که در کدام سمت ماجرا قرار بگیرند، اطلاعات در دوره سیدعباس صالحی هم راه خود را انتخاب کرد و بر همان مدار معتدلی پیش رفت که در دوره سیدمحموددعایی در آن قرار داشت. پس از انتشار خبر درگذشت مهسا امینی، ابتدا صالحی به ماجرا واکنش نشان داد و در صفحه توییتر خود جمله‌ای را منتشر می‌کند که از مواضع تندروها فاصله زیادی داشت: جایی که می‌نویسد: «اتفاقات مکرر ناگوار در گشت ارشاد خطای راهبردی را نشان می‌دهد، هم‌بدحجابی کنترل نشده، هم از اعتبار پلیس به‌عنوان نهاد حافظ امنیت کاسته گردید و هم پرونده‌های اجتماعی و انسانی چون مهسا امینی را برای نظام و کشور باز کرد.» و یا اینکه در یادداشتی که روز ۳۰ شهریور در این روزنامه به چاپ می‌رسد، اینگونه به عدم اعتماد بخشی از مردم به توضیحات ارائه‌شده درباره ماجرا واکنش نشان داده می‌شود: «در اینکه ماجرا و حادثه تلخ و تاب‌سوز، قلب همه را به درد آورده است تردیدی نیست اما این حد از بی‌اعتمادی و عدم قبول نشانه چیست؟ ریشه‌یابی این سطح از شکاف و شقاق و آسیب‌شناسی درست آن بسیار ضروری است که هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد.» پس از واقعه و از پاییز ۱۴۰۱ هم موسسه اطلاعات به نقش آفرینی خود ادامه داده و این بار به سراغ ریشه‌یابی اعتراضات و مشکلات منجر به اعتراض جامعه رفت و سلسله‌نشست‌هایی با عنوان «راه گفت‌وگو» را برگزار کرد تا از خلال آن بتواند در اشکال مختلف، ماجراها را مورد بررسی قرار دهد.

▼و اینک دوره جدید

امادوره مدیریت سیدعباس صالحی بر موسسه اطلاعات چندان طولانی نبود و او تقریباً ۲ سال در این صندلی حضور داشت. ۹ ماه بعد از اینکه صالحی یکبار دیگر به وزارت ارشاد برگشت، پایان دوره او در روزنامه اطلاعات اعلام شد و چند روز پیش، با حکمی که از سوی رهبری صادر شد، مدیریت این موسسه به عبدالرضا ایزدپناه واگذار شد؛ شخصیتی که حجم بیشتری که در رزومه کاری‌اش دیده می‌شود، سمت‌های فرهنگی است که مهم‌ترین آنها معاون سابق فرهنگی و اجتماعی قوه قضائیه است. و حالا همان سوالی که در پایان دوره سیدمحمود دعایی ایجاد شده بود، به وجود خواهد آمد. موسسه اطلاعات در دوره جدید در کدام ریل حضور خواهد داشت؟ آیا میراث سیدمحموددعایی بر همان روند معتدل پیش خواهد رفت؟

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی - اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک چالدران هیات موضوع قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی	شناسه آگهی: ۱۹۴۴۴۹۴
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۶۵۵۳۶۷۱۳۵۴۶۵۳۱۳۵۴۶۵۳ مورخه ۵/۶/۱۴۰۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف و وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی ملک چالدران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی نوروزی فرزند حیدرعلی به شماره شناسنامه ۹۰۵۴۳۴۳۱۹۰۵۵۴۳۴۳۳ صادره از آواجیق در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۸/۱۳۳۳ مترمربع پلاک فرعی از ۱۱۴۶ اصلی واقع در ارتفاع خیرداری از مالک رسمی آقای حمدالله نوروزی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۵/۱۱/۱۴۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۵/۴/۱۴۰۴	
بهرام سلطانی - رئیس ثبت اسناد و املاک	

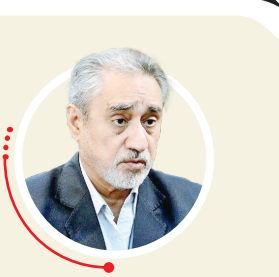
آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان پلدختر-سری (۴۵) جمعی شناسه آگهی: ۱۹۳۳۰۴۶	
--	--

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی شهرستان پلدختر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت اول : ۵/۳/۱۴۰۴ نوبت دوم: ۱۸/۵/۱۴۰۴) ۱- تقاضای «مژگان کردعلیوندی» فرزند «هوشنگ» نسبت به «دو دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۸۱/۱۱۵۸۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲» فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه «تقی صحراگرد چایدر»

۲- تقاضای «علی حیدر عزیزی عمارتی» فرزند «عباس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۵۳/۶۱۱۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۰» فرعی از «۱۱۷» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت متقاضی»
۳- تقاضای «محمد زیدی جودکی» فرزند «پاپی علی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۳/۹۲۶۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱» فرعی از «۶» اصلی واقع در بخش «۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدولی زیدی جودکی مع الواسطه»
۴- تقاضای «محمد زیدی جودکی» فرزند «پاپی علی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۵۳/۶۶۶۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۷» فرعی از «۱۵» اصلی واقع در بخش «۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه «بیژن میزراوند مع الواسطه»
۵- تقاضای «محمد زیدی جودکی» فرزند «پاپی علی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۲/۶۵۷۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱» فرعی از «۲۱» اصلی واقع در بخش «۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمدولی زیدی جودکی مع الواسطه»
۶- تقاضای «روح الله بابائی» فرزند «حسین آقا» نسبت به «ششدانگ عرصه واعیان یکباب عمارت مسکونی» بمساحت «۵۰/۱۷۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱» فرعی از «۱۱۶» اصلی واقع در بخش «۷» خروجی از مالکیت مالک اولیه «باباخان رسولی مع الواسطه»
۷- تقاضای «بهروز خاوری» فرزند «عبدل» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۰۲۸۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۳» فرعی از «۱۶» اصلی واقع در بخش «۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت متقاضی»
۸- تقاضای «بهروز خاوری» فرزند «عبدل» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۱۱۹۴۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۳» فرعی از «۱۶» اصلی واقع در بخش «۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت متقاضی»
۹- تقاضای «مهدی دکاموند» فرزند «محمود» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۶۶۶۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۷» فرعی از «۱۵» اصلی واقع در بخش «۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه «بیژن میزراوند مع الواسطه»
۱۰- تقاضای «محسن حیدری» فرزند «علی صفر» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۰/۷۸۳۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱» فرعی از «۱۳» اصلی واقع در بخش «۸» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رحم خدا رحمی مع الواسطه»

امین عبدی نژاد - رییس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان پلدختر

یادنامه



چریکی که دیپلمات شد

خبر درگذشت سیداصغر قریشی، ۱۵ خردادماه منتشر شد. چهره کمترشناخته‌شده در فضای سیاسی و نام آشنای فعالان حوزه سیاست خارجی. درباره زندگی سیاسی او اطلاعات چندانی در دست نیست اما در این حد درباره او اطلاعات وجود دارد که او فعال سیاسی قبل از انقلاب بود و یکی از ۵۵ عضو حزب ملل اسلامی (از جمله تشکل‌های مسلح چپ‌گرای اسلامی باتشکیلات مخفی به‌رهبری سیدمحمدکاظم موسوی‌بجنودی در دهه ۴۰) بود؛ و در زمان فعالیت در این حزب در سال ۱۳۴۴ به همراه سایر اعضا دستگیر و ۸ سال را در زندان سپری کرد. او پس از پیروزی انقلاب بیشتر در حوزه سیاست خارجی اظهارنظر و فعالیت داشت و به عنوان دیپلمات به حیات سیاسی خود ادامه داد. قریشی سفیر ایران در کشورهای اندونزی و یمن بود و مدتی نیز در سمت مدیرکل جنوب آسیای وزارت خارجه و مدیرکل اسناد و تاریخ دیپلماسی مشغول به‌فعالیت بوده است.

در پی درگذشت قریشی، دیپلمات پیشین ایران، سید محمد خاتمی، در پیامی درگذشت وی را تسلیت گفت. در بخشی از این پیام آمده است: «مردایمان و عمل صالح و انصاف و اخلاق و خدمتگزار دین و دولت و دوستدار انسان و ایران جناب سیداصغر قریشی دوست و همکار ارجمندمان چشم از جهان فانی فروبست و به دیدار معبود شتافت. ابودلورم پاداش پاک و نیکی و شایستگی خود را از خوان رحمت حضرت پروردگار دریافت کند.»

جمعی از دیپلمات‌های ایرانی نیز در پی درگذشت سیداصغر قریشی بیانییه‌ای صادر کرده و در آن با اشاره به ویژگی‌های رفتاری و مبارزه‌های وی در پیش از انقلاب وی را نماد پایمردی و اخلاص نامیدند. در بخشی از این بیانییه آمده است: «زنده‌یاد مرحوم سیداصغر قریشی مردی از تبار خویان از میان ما رفت و داغدارمان کرد. قریشی نازنین انسانی مؤمن و خدوم و شخصیتی مبارزو ایثارگر بود که در همه دوران‌ها به‌ووظیفه خود عمل کرد. او از جمله مبارزین دیرین انقلاب اسلامی با پیشینه هشت سال زندان سیاسی در دوران ستمشاهی بود که پس از پیروزی انقلاب موفق به انجام خدمات برجسته در وزارت امور خارجه از جمله در مسئولیت‌های مدیرکلی اسناد و تاریخ دیپلماسی و سفیری ایران در کشورهای اندونزی و یمن گردید. قریشی نماد پایمردی، اخلاص، معرفت، محبت و صداقت و زاده سال ۱۳۲۴ بود.» علاءالدین غروی، فعال سیاسی نیز در پیامی تسلیت درگذشت وی و تشریح بخشی از فعالیت‌های وی نوشت: «حزب ملل اسلامی (بامشی مبارزه مسلحانه) ۵۵ عضو تشکیلاتی داشته‌است که همگی در سال ۱۳۴۴ توسط حکومت پهلوی دستگیر شدند و سیداصغر قریشی یکی از آنها بود. درگذشت این همکار شریف و خدمتگزار را به خانواده او و نیز خانواده وزارت خارجه تسلیت می‌گویم و برای داغدیگان صبر و شکیبایی آرزومی‌کنم.»

نصرالله تاجیک سفیر پیشین ایران در اردن نیز در مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس در ارتباط با درگذشت این دیپلمات باسابقه نوشت: «با غمی فراوان دوستی از پیشکوتان مبارزه، زندانیان سیاسی سابق، دیپلماتی وطن‌پرست، محقق‌ی صبور با اخلاق نیکو را از دست دادم. سیداصغر قریشی انسانی خودساخته، حق‌طلب و حامی مردم بود. یادش جاودان. خداوند به بازماندگانش صبر دهد و مزه شیرینی که یکشنبه گذشته در جلسه به من داد را فراموش نمی‌کنم!»

رویداد

ابوالفضل قدیانی به زندان بازگشت	
احمد قدیانی، فرزند ابوالفضل قدیانی در صفحه شخصی ایکس از بازگشت پدرش به زندان خبر داد و نوشت: «پدرم ابوالفضل قدیانی که به علت عفونت ریه در بیمارستان بستری بود، علی‌رغم داشتن ۸۰ سال سن و وجود ۵ استند در قلب، سابقه بیماری خودایمنی حاد، مشکلات گوارشی و مشکل ستون فقرات و پوکی استخوان به زندان بازگردانده شد.» وی افزود: «زندانیان به گواهی پزشکی قانونی، که وابسته به قوه قضائیه خودشان است نیز وقعی ننهادند.»	